فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی
سال یازدهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۹۷
صفحات ۲۹۳- ۳۱۸

مصادیق، مبانی و آثار اشتباه در پرداخت‌های بانکی

مصطفی السان [*] **سجاد مظلومی** [†]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۶

چکیده

یکی از مباحث پیچیده در حقوق بانکی، اختلال‌ها و اشتباهاتی است که در جریان پرداخت‌های بانکی و بین‌بانکی، احتمال بروز آن وجود دارد. خطای نیروی انسانی یا رایانه‌ای ممکن است پرداخت را غیرممکن ساخته، آن را به تأخیر انداخته و یا بدتر از همه باعث پرداخت ناروا شود. بدین معنا که پرداخت به شخصی انجام شود که استحقاق دریافت آن را نداشته است. در حقوق کشورمان، تنها مقررات اندکی، مسائل اختلال و اشتباه در پرداخت‌های بانکی را مورد توجه قرار داده‌اند. این وضعیت به‌طور نسبی در کشورهای دیگر نیز وجود دارد. می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از حقوق حاکم بر خطاهای رایانه‌ای یا اشتباه و تقلب در پرداخت، بر مبنای رویه عملی محاکم و رویه قضایی و داوری توسعه یافته است. در کشورمان، این رویه علی‌رغم وجود به‌ندرت ثبت شده و به همین دلیل، ناگزیر از مراجعه به حقوق کشورهای دیگر خواهیم بود. در این مطالعه به بررسی تفاوت‌های اشتباه و خطا در پرداخت‌های بانک و مسایل حقوقی و عملی مربوط به آن پرداخته و سپس راه‌کارهای اجرایی برای نظام بانکی کشورمان ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پرداخت بانکی، اشتباه، استرداد، ساتنا و چک بانکی.
طبقه‌بندی JEL: K41 ،K22 ،K19

[*] استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی(نویسنده مسئول)؛ mostafaelsan@yahoo.com
[†] دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی و مدرس دانشگاه؛ sajad.mazloumi@gmail.com

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

۱ مقدمه

ایفاء یا پرداخت، عملی است که به‌موجب آن متعهد آنچه را که به‌موجب عمل یا واقعه‌ای حقوقی بر عهده وی قرارگرفته، انجام می‌دهد. ایفای دین به معنای اجرای تعهد است؛ اعم از پرداخت پول، تسلیم مال، انجام یا خودداری از انجام کار یا انتقال و فرقی هم نمی‌کند که سبب تعهد عقد باشد یا ایقاع یا هر عمل و واقعه حقوقی دیگر (شهبازی‌نیا و رزاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶).

واژه «ایفاء» اصطلاحی است که در حقوق مدنی معمولاً برای پرداخت دین یا انجام تعهد به کار می‌رود و بر این مبنا «ایفای ناروا» به مفهوم «تأدیه ناروای دین» بایستی تعبیر گردد. لذا اگر شخصی بدین پندارکه به دیگری مدیون است، مالی را به او بدهد ولی درواقع دینی وجود نداشته باشد، گیرنده مال نمی‌تواند به ناروا آن را تصاحب کند بلکه بایستی آن را به مالک برگرداند (محقق‌داماد و اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۹۵).

ماده ۳۰۲ قانون مدنی ایران بدون توجه به مسئله حسن نیت و بر مبنای قاعد ضمن ید مقرر می‌دارد: «اگرکسی که اشتباهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق، اخذ کرده است استرداد نماید». درواقع این ماده نقشی برای علم یا جهل و اهلیت گیرنده و تأثیر آن بر مسؤولیت وی نشناخته است. درعین‌حال، قانون تعهداتی را برای پرداخت‌کننده به اشتباه به رسمیت شناخته است. به‌نحوی‌که ایفاکننده به اشتباه باید هزینه‌هایی را که گیرنده برای نگاهداری مال متحمل شده، پرداخت نماید (خندانی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).

پس از بررسی مفهوم پرداخت و مفهوم پرداخت‌های بانکی موضوع مصادیق، مبانی و آثار اشتباه در پرداخت‌های بانکی مورد بحث قرار می‌گیرد.

مفهوم پرداخت. صرف‌نظر از شیوه‌های مرسوم برای پرداخت و واسطه یا عواملی که در تحقق پرداخت ایفای نقش می‌کنند، پرداخت را به «اعطای معوض یا بدون عوض پول یا هر عملی که در مقام اجرای تعهدات پولی مورد ایجاب و قبول قرار می‌گیرد»، تعریف کرده‌اند(گود[1]،۱۹۸۳؛ ص. ۵). بنابراین پرداخت در مفهوم عام شامل ایفای هر نوع تعهدی، با استفاده از پول یا کالا یا خدمات می‌شود و محدود به پرداخت‌های بانکی نیست.

[1] Good

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

مفهوم پرداخت‌های بانکی. بانک، به‌عنوان مؤسسه انتفاعی (شرکت تجاری) به فعالیت‌هایی اشتغال دارد که به‌طور مستقیم از مصادیق موضوعات پولی، ارزی و بانکی هستند. پرداخت‌های بانکی را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

یکم، پرداخت‌هایی که در آن بانک به‌عنوان واسطه پرداخت‌کننده و ذینفع عمل می‌کند.

دوم پرداخت‌هایی که در آن، بانک یکی از دو طرف پرداخت می‌باشد.

نوع سوم پرداخت‌های بانکی که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، پرداختی است که در رابطه میان بانک‌ها انجام می‌گیرد.

نوع چهارم پرداخت‌های بانکی، پرداختی است که در آن، یک بانک صرفاً به‌عنوان واسطه‌ای برای دست یافتن مشتری بانک دیگر به موجودی حساب خود در آن بانک عمل می‌کند.

در این مقاله مباحث مربوط به مصادیق، مبانی و آثار اشتباه در پرداخت‌های بانکی در قالب پنج بخش بدین شرح بررسی می‌شود: مصادیق پرداخت اشتباه (بخش دوم)، مبنای استرداد در پرداخت‌های ناروای بانکی (بخش سوم)، پرداخت اشتباه در قوانین موضوعه (بخش چهارم)، قواعد عمومی حاکم بر پرداخت و منع پرداخت (بخش پنجم) و اشتباه و اخلال در پرداخت چک (بخش ششم). در بخش انتهایی نیز جمع‌بندی بحث ارائه می‌گردد.

۲ مصادیق پرداخت اشتباه

اشتباه در پرداخت‌هایی که از طریق نظام بانکی انجام می‌گیرد، می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. در مواردی ممکن است بانکی که به اشتباه وجهی پرداخته کرده، هیچ عذری در برابر مشتری نداشته باشد. پرداخت دو برابر به دلیل اشکال در سامانه رایانه‌ای یا شبکه خودپرداز و نیز کارسازی چک علی‌رغم دستور واجد شرایط صادرکننده یا ذینفع ثالث بر عدم تأدیه آن، از این قبیل موارد به شمار می‌آید. در این‌گونه از اشتباه‌ها، بانک چاره‌ای جز رجوع به شخصی که به ناروا وجهی را دریافت داشته، ندارد و قاعدتاً این مراجعه از طریق مصالحه یا طرح دعوا در دادگاه به عمل می‌آید.

اما پرسش این است که آیا بانک می‌تواند در مواردی که دریافت‌کننده (ناروا) در آن بانک حساب دارد، با احراز اشتباه از طریق اسناد بانکی موجود، به‌اندازه مبلغی که اشتباه شده از حساب وی کسر کرده و درنتیجه وجهی را که به ناروا پرداخته شده، به دارایی بانک بازگرداند؟

پاسخ مثبت به این پرسش، ازآن‌جهت تقویت می‌شود که صرف اشتباه در واردکردن شماره حساب از سوی کارمند بانک، نباید بانک را مجبور سازد تا برای امر مسلم به دادگاه

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

مراجعه کند. درعین‌حال، این پاسخ متضمن دو اشکال عمده است. یکم اینکه، آیا بانک می‌تواند بدون اطلاع مشتری (دریافت‌کننده ناروا)، به حساب وی دست برده و مبلغ مورد اشتباه را از حساب وی بکاهد؟ دوم اینکه، اگر این اقدام مُجاز شناخته شود، از نظر حقوقی چه ماهیتی دارد؟

رویه عملی بانک‌ها این است که به مشتری اطلاع داده و رضایت وی را در برگه‌ای اخذ می‌کنند. البته اگر اشتباه در همان مراحل اولیه کشف شود و امکان بازگشت وجود داشته باشد، کارمندان بانک بدان اقدام می‌نمایند. از حیث ماهیت حقوقی نیز گفته‌شده که این کار به‌مثابه نمایندگی بانک از دارنده حسابی تلقی می‌شود که وجه ناروا به آن واریز شده است(الینگر[1]، ۲۰۰۷؛ ص. ۴۶۶).

مشکل آنجا مضاعف خواهد شد که دریافت‌کننده ناروا، وجه مذکور را از حساب خود برداشت کرده و یا اینکه پرداخت ناروا با وساطت یک بانک انجام شده باشد. در مورد اخیر، برای مثال شخصی از تهران با استفاده از حواله، به حساب یک نفر در تبریز پول واریز می‌کند، اما بعداً معلوم می‌شود که آخرین رقم شماره‌حساب اشتباه بوده و پول به حساب مشتری دیگری در بانک مقصد یا بانکی در شهری دیگر واریز شده است یا اشتباه مشابهی در سامانه شتاب رخ می‌دهد.

در مورد نخست، شخص یا بانکی که دچار اشتباه شده، چاره‌ای جز حل اشکال از طریق نظام بانکی و در صورت عدم امکان، طرح دعوا ندارد. در چنین مواردی، بانک حق ندارد که حساب دریافت‌کننده را به میزان مبلغ ادعایی پرداخت‌کننده ـ ولو اینکه با اسناد قابل قبولی همراه باشد ـ بدهکار سازد. زیرا این امر نیازمند اقدام قضایی بوده و در صلاحیت محاکم دادگستری می‌باشد.

در مورد دوم، پرداخت‌کننده اشتباهی باید علیه بانک دریافت‌کننده و مشتری آن طرح دعوا کرده یا حداقل بانک را به‌عنوان مجلوب ثالث به دعوا جلب کند. زیرا بانکی که دریافت‌کننده ناروا در آن حساب دارد، به‌مثابه نماینده وی محسوب می‌شود و در صورت طرح دعوا منحصراً علیه مشتری، ازیک‌طرف اثبات آن دشوار خواهد بود و از سوی دیگر، دادگاه در صورت توجه به قواعد آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوا صادر خواهد کرد. در دادگاه، بانک مقصد تنها وقوع اشتباه را تصدیق خواهد کرد و بدین‌وسیله ادعای پرداخت‌کننده مبنی بر ناروایی پرداخت، اثبات می‌گردد.

---

[1] Ellinger

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

در صورت اشتباه بانک در پرداخت، قواعد عمومی ایفای ناروا اعمال می‌گردد و لذا به لحاظ قضایی موضوع همانند سایر موارد ایفای ناروا بررسی می‌شود. ازآن‌جهت که اشتباه بانک موجب دارا شدن ناعادلانه دریافت‌کننده شده است، چنین مبلغی از باب دارا شدن ناعادلانه (اکل مال به باطل) قابل استرداد می‌باشد. به‌محض تحقق چنین پرداختی، دعوای آن قابل طرح است و لذا اگر از زمان اشتباه تا زمان صدور حکم، سود یا امتیاز دیگری به سپرده ناروا تعلق گرفته باشد، بانک یا دارنده قانونی می‌تواند استرداد آن را نیز از دریافت‌کننده ناروا مطالبه کند.

اگر بروز اشتباه، ناشی از سهل‌انگاری مشتری در درج شماره حساب صحیح، نام صحیح دریافت‌کننده و... باشد، بانک از پذیرش مسؤولیت چنین اشتباهی به استناد فرم پرشده از سوی مشتری خودداری خواهد کرد. اما پرسش آن است که اگر بانک در واریز سود بانکی متعلق به حساب شخص معین اشتباه کرده و آن را به جای حساب (الف) به حساب (ب) واریز نماید، آیا علاوه بر بانک، ذینفع واقعی وجه واریز شده (الف) نیز حق مطالبه مبلغ مذکور را دارد؟

در حقوق عرفی[1] به‌موجب پرونده‌ای[2]چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. در پرونده دیگری[3]، که در آن وجه قابل توجهی، با عمل متقلبانه حسابدار به حساب خواندگان واریز شده بود، خواندگان چنین دفاع می‌کردند که آنها با بانک طرف هستند و خواهان را نمی‌شناسند. در این پرونده، قاضی میلِت[4] اظهار داشت که با تأمین اعتبار چک مشتری به سود شخص ثالث و بدهکارکردن حساب وی، بانک به‌مثابه اصیلی که بدهی مشتری خود را پرداخت می‌کند و نیز نماینده وی در پرداخت وجه به شخص ثالث محسوب می‌گردد. بنابراین، هم بانک و هم مشتری (صادرکننده چک) می‌تواند درخواست استرداد آنچه را که متقلبانه پرداخت شده، را داشتهت باشند.

در شرایط عمومی حساب‌های مختلف که به صورت فرم از سوی بانک تهیه شده و در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد، ممکن است حق برداشت مبالغی که به اشتباه به حساب مشتریان واریز شده و نیز حق برداشت کارمزد، بدون اجازه قبلی مشتری، برای بانک شناخته شود. توجیهی که برای بازگشت از حساب می‌توان ارائه داد، پیشگیری از دارا شدن

---

[1] Common Law

[2] Foley v. Hill and Others, [House of Lords, July 31, August 1, 1848]

[3] Agip (Africa) Ltd v. Jackson [1991] Ch. 547

[4] Millett

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

ناعادلانه می‌باشد. شخصی که در یک عملیات بانکی، بدون دلیل مبلغی را از دست داده، اصولاً منتظر اقدام بانک می‌شود و شخصاً در این خصوص اقدام نمی‌کند. مگر اینکه بانک، منطقی برای اقدام خود در پرداخت به گیرنده وجه و یا بستانکار کردن حساب وی داشته باشد که در آن صورت، مشتری باید رأساً علیه گیرنده وجه طرح دعوا نماید. برای مثال، اگر بانک مدرک ارائه کند که دستور عدم پرداخت صادرکننده چک یا ذینفع پس از پرداخت آن از سوی بانک، به بانک ارائه شده است.

۳ مبنای استرداد در پرداخت‌های ناروای بانکی

بهترین مبنا برای استرداد وجهی که به اشتباه پرداخت شده، دارا شدن ناعادلانه است. بنابراین کسی که از حساب وی پرداخت شده و مدعی اشتباه/ نارواییِ پرداخت است، باید ارکان دارا شدن ناعادلانه را اثبات کند. یعنی اثبات کند که الف) گیرنده وجه دارا شده است. ب) این دارا شدن با هزینه (کم شدن از دارایی) پرداخت‌کننده تحقق یافته است. ج) موجبات دارا شدن با توجه به قراین و اوضاع و احوال ناعادلانه است.

با توجه به اصل صحت، اصل بر آن است که بانک (به‌عنوان محال‌علیه) با پرداخت مبلغ مندرج در سند تجاری، به دارنده آن مشروط بر اینکه با حسن نیت و با رعایت تشریفات و ظواهر امر باشد، بری می‌شود. از طرف دیگر، اصل دیگری را نیز می‌توان مطرح ساخت و آن اینکه مدیون بری نمی‌شود مگر اینکه پرداخت به طلبکار حقیقی انجام شود. به همین دلیل گفته شده که شخصی که به اشتباه پرداخت کرده، دوباره می‌پردازد.

با توجه به موقعیت بانک و وضعیت حقوقی آن در پرداخت اسناد تجاری ـ که بدهکار سند نبوده و تنها وکیل مدیون در ایفای سند است ـ باید توجه داشت که پرداخت وجه سند به حاملی که بانک هیچ شناختی از وی ندارد، بانک را مسئول ایفای ناروا نمی‌سازد؛ به این شرط که ظاهر سند و امضای مندرج در آن دارای اشکال یا ابهام نامتعارف نباشد. چراکه بانک ملزم به تحقیق در مورد حسن نیت و استحقاق دارنده ظاهری نمی‌باشد و اساساً انجام این کار برای بانک غیرممکن است.

با این همه ممکن است اثبات شود که پرداخت انجام گرفته از سوی بانک به اشتباه یا به ناروا بوده است. در این قسمت به بررسی حالات مختلف موضوع می‌پردازیم.

پرداخت چک متقلبانه (یعنی چکی که به شیوه نامشروع در اختیار دارنده است و دارنده نسبت به آن مالکیتی ندارد) خود می‌تواند حالات مختلفی داشته باشد که در زیر چهار حالت تشریح می‌شود.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

۱.۳ اشتباه یا خطای صاحب حساب (صادرکننده چک)

این حالت مانند این است اینکه دفترچه چک به سرقت رفته، چکی از آن کنده شده و با جعل امضایی مشابه امضای صادرکننده (دارنده دفترچه چک)، به‌نحوی‌که در عمل بانک قادر به تشخیص آن نباشد، برای پرداخت به بانک تسلیم شود. در این مورد، صادرکننده به دلیل سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی در نگهداری دسته‌چک و عدم اعلام مفقودی آن به بانک، مسئول اشتباه خویش است و بانکی که با اعتماد به ظواهر اقدام به تأدیه کرده مسؤولیتی ندارد.

۲.۳ اشتباه بانک

مثالی برای حالت این است که امضای روی ورقه چک تفاوت فاحشی با امضای صاحب حساب داشته باشد و با این وجود صندوقدار بانک اقدام به پرداخت آن نماید. به‌عبارت‌دیگر، در مواردی صورت و مندرجات چک متقلبانه به نحوی است که عرفاً کارمند با مشاهده آن متوجه تقلب می‌شود. در این موارد، بانک نمی‌تواند اقدام به پرداخت نماید. چراکه شخص را نمی‌توان ملزم به چیزی کرد که آن را امضا نکرده است و نیز اینکه چنین ورقه‌ای که به‌طور غیرقانونی امضا شده، هیچ ارزش مالی ندارد. این حکم در جایی نیز اعمال می‌شود که اگرچه امضای روی چک به صادرکننده قانونی تعلق دارد، اما در مفاد و محتویات آن تغییر و تحریفی انجام گرفته است (عوض، ۲۰۰۹، صص ۱۳۰-۱۲۹).

البته گاه تشخیص تغییر و تحریف در رابطه دارنده چک و متصدی بانک بحث‌هایی را ایجاد می‌کند. برای مثال، اگر امضای چک با خودکار آبی و سایر مفاد آن با خودکار مشکی‌رنگ باشد؛ چون نمی‌توان با مقایسه امضا به دستخط صادرکننده پی برد، این تردید که مفاد چک بعداً توسط شخص دیگری تکمیل شده باشد، مطرح می‌شود. در این موارد، هیچ نص قانونی برای اعتماد کارمند بانک به صحت امضا و سرایت آثار آن به مندرجات چک یا امتناع وی از پرداخت و راهنمایی کردن دارنده به گرفتن توضیح و امضای صادرکننده در مورد اختلاف رنگ قلم در صورت چک وجود ندارد.

در یک پرونده‌ای داخلی[1]، یک فقره چک به تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۳۰ به عهده بانک سرمایه، جهت وصول به بانک ملی واگذار شده و طبق روال معمول، بانک ملی از بانک سرمایه موجودی حساب صادرکننده چک را استعلام می‌کند و در پاسخ، بانک سرمایه عدم

[1] کلاسه ۹۶۰۸۱۲ شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

موجودی حساب را از طریق سیستم بانکی اعلام می‌دارد و اقدام به صدور گواهی عدم پرداخت وجه چک به علت کسر موجودی می‌نماید. ولی این مطلب به دلیل اشکال در سامانه بانکی موسوم به تایید خودکار[1] به اطلاع بانک ملی شعبه مربوط نرسیده و پیرو آن بانک ملی وجه چک را بدون اطلاع از عدم‌کفایت موجودی حساب صادرکننده چک از وجوه متعلق به بانک سرمایه نزد بانک مرکزی (و نه وجوه متعلق به صادرکننده چک) به دارنده چک پرداخت می‌کند.

به نظر دادگاه، چون بانک ملی نقش واسطه در پرداخت وجه چک را داشته، ایراد عدم توجه دعوا به مشارالیه مردود است. لکن چون بانک ملی وظایف خود را در جهت استعلام از بانک خواهان ایفا نموده و اختلال در سامانه بانکی ارتباطی به بانک ملی ندارد و در وضعیت حادث‌شده بانک تکلیفی جز پرداخت چک از حساب خواهان نداشته است؛ لذا بانک (ملی) مسؤولیتی در بازپرداخت وجه مورد ادعا ندارد. همچنین به‌موجب ماده ۳۰۲ قانون مدنی اگر کسی اشتباهاً خود را مدیون می‌دانست دین را تأدیه کند حق دارد به کسی که آن را بدون حق دریافت کرده، مراجعه کند. بنابراین صادرکننده چک و گیرنده وجه چک در برابر بانک سرمایه (پرداخت‌کننده) مسؤولیت تضامنی دارند.[2]

در این قضیه، اشتباه در پرداخت به نحوی بوده که وجه به‌اندازه مبلغ چک از حساب بانک سرمایه خارج شده، درحالی‌که صادرکننده چک (مشتری بانک سرمایه) محل چک را نزد آن بانک تأمین نکرده است. علت اشتباه، مشکل در سامانه تایید خودکار بوده است. بنا بر یکی از فرض‌ها (پروتکل‌ها)ی حکام بر این سامانه، اگر بانک صادرکننده (در اینجا، سرمایه) عدم امکان پرداخت چک را به هر دلیل، ظرف مهلت مشخصی به بانک ذینفع (در اینجا بانک ملی) اعلام نکند، فرض می‌شود که چک (دستور پرداخت) دارای موجودی بوده و قابل وصول است. ازاین‌جهت، تصمیم دادگاه در مسئول ندانستن بانک ملی صحیح و قابل دفاع است. زیرا این بانک طبق پروتکل سامانه اقدام کرده و خطا یا اخلال در سامانه ارتباطی به بانک ملی نداشته است.

درعین‌حال، مسؤولیت تضامنی صادرکننده (صاحب حساب چک) و گیرنده وجه چک، مبنای قانونی ندارد. زیرا طبق قانون تجارت، صادرکننده ملزم به تأمین محل (موجودی) چک در تاریخ مندرج در آن است (ماده ۳۱۰ قانون تجارت و ماده ۳ قانون صدور چک) و دارنده نهایی چک، اقدام برخلاف قانون یا قراردادی انجام نداده که برای وی مسؤولیتی در

---

[1] Auto Yes

[2] رأی شماره ۹۷۰۰۶۹-۰۴-۰۲/۰۲/۱۳۹۷ شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

پی داشته باشد. به‌علاوه در ماده ۲۴۹ قانون تجارت که واضع مسؤولیت تضامنی برای اشخاص دخیل و مرتبط با اسناد تجاری قابل انتقال (چک، سفته و برات) است، هیچ‌گاه برای دارنده سند تجاری، مسؤولیت تضامنی مقرر نشده است. چراکه اساساً نمی‌توان ذینفع را مسئول دانست و منطقی برای مسؤولیت (حتی انفرادی) وی وجود ندارد. به‌علاوه، مسؤولیت تضامنی استثنا است و استثنا را باید تفسیر مضیق کرد.

۳.۳ خطای صاحب حساب (صادرکننده) و بانک (هردو)

درصورتی‌که هم صاحب حساب و هم بانک مرتکب خطا شده باشند، تشخیص اینکه مسؤولیت ایفای ناروا بر عهده چه کسی نهاده می‌شود، بسیار دشوار است. برای مثال، صادرکننده چک سفید امضایی را در صندوق خود می‌گذارد و کارمند وی بدون اطلاع او محتوای چک را تکمیل کرده و با قلم‌خوردگی در تاریخ صدور به بانک ارائه می‌دهد و صندوقدار بانک، بدون توجه به قلم‌خوردگی در متن چک (که عرفاً باید در ظهر چک با قید امضای صادرکننده توضیح داده شود)، اقدام به پرداخت آن می‌کند.

در این حالت، به حکم منطق تعیین شخص مسئول از سه حالت خارج نیست: بانک یا صادرکننده مسئول منحصر باشد یا خسارت بین این دو توزیع شود. به نظر می‌رسد که باید نوع اشتباه یا میزان خطا را معیار قرار داد. در این صورت، اغلب مسؤولیت به یکی از این دو تحمیل خواهد شد.

۴.۳ ناروایی پرداخت به دلیل فعل ثالث

در مواردی ممکن است اشتباهی از سوی بانک یا صادرکننده صورت نگرفته و با این وجود به دلیل دخالت متقلبانه یا من‌غیرحق ثالث، پرداخت ناروا می‌شود. برای مثال، در جریان گردش تجاری چک، پس از چند بار ظهرنویسی، شخصی چکی را از حامل سرقت کرده و برای دریافت وجه آن به بانک مراجعه می‌کند. چنانچه پیش‌تر بررسی شد، مبنای مطالبه در این موارد دارا شدن ناعادلانه می‌باشد و ذینفع باید دعوای خویش را علیه شخصی که به زیان او و به‌ناحق دارا شده در دادگاه صالح طرح نماید.

۴ پرداخت اشتباه در قوانین موضوعه

مقررات مربوط به ایفای ناروا، به‌طورکلی در قانون مدنی ذکر شده است. مطابق با ماده ۳۰۱ قانون مدنی، «کسی که عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق آن نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند». بنابراین پرداخت ناشی از اشتباه یا خطا، گیرنده

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

وجه را مالک نمی‌سازد و وی ملزم به استرداد آن خواهد بود. درصورتی‌که با تقاضای بانک یا ذی‌حق از این کار امتناع نماید، شیوه قضایی برای الزام وی به استرداد آنچه به‌ناحق دارا شده، در پیش گرفته خواهد شد.

مفاد ماده ۳۰۱ قانون مدنی، با عبارت دیگری در ماده ۳۰۲ بیان شده است: «اگر کسی که اشتباهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق اخذ کرده است استرداد نماید». در مورد پرداخت‌های بانکی، استرداد مبلغ پرداخت شده مستلزم طی تشریفاتی است که گاه طولانی می‌باشند. وقتی، انتقال وجوه بر مبنای دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه[1] به عمل می‌آید، لغو و ابطال دستور پرداخت یا ابطال کل فرایند پرداخت، مستلزم رعایت مفاد دستورالعمل می‌باشد. مطابق با ماده ۳۴ دستورالعمل مذکور، ابطال دستور پرداخت تصدیق شده، نیازمند حکم دادگاه ذی‌صلاح است. درواقع، در مواردی که شخص دریافت‌کننده (به ناروا) حاضر به استرداد وجه دریافتی نمی‌شود، چاره‌ای جز طرح دعوا باقی نمی‌ماند.

آنچه در عبارت اخیر گفته شد، با اصول حقوق مدنی در خصوص ایفای تعهد نیز سازگار می‌باشد. مطابق با ماده ۲۶۵ قانون مدنی، «هر کس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است. بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می‌تواند استرداد کند». با توجه به این ماده، در پرداخت‌های بانکی، اصل بر عدم اشتباه است. بنابراین، وقتی پول از سوی پرداخت‌کننده به حساب مشخصی واریز می‌شود، اصل بر آن است که واریزکننده یا انتقال‌دهنده، تعهد پرداخت به وی را داشته است. دلیل این پرداخت ارادی، معمولاً ایفای دینی است که پرداخت‌کننده به گیرنده (ذینفع انتقال) دارد. بنابراین، در فرضی که پرداخت واقعاً اشتباه کرده باشد، اثبات این امر با توجه به ماده ۲۶۵ که در عمل به تعارض اماره ید و ظاهر عدم تبرع اشاره دارد، بسیار دشوار خواهد بود (السان، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸).

با توجه به سندی که در بانک به پرداخت‌کننده داده می‌شود و یا رسیدی که دستگاه خودپرداز یا سامانه اینترنتی به صورت خودکار و پس از انجام فرایند پرداخت به انتقال‌دهنده می‌دهد، اثبات این امر که پرداخت به حساب معین انجام گرفته، آسان است. درعین‌حال، اثبات دریافت وجه یا وصول به حساب گیرنده وجه یا مخاطب انتقال برای استرداد آنچه پرداخت شده، کافی نیست. زیرا قسمت نخست ماده ۲۶۵ مقرر می‌دارد، «هر کس مالی به

---

[1] مصوب ۱۳۸۵/۰۸/۳۰ اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

دیگری بدهد، ظاهر در عدم تبرع است». یعنی اصل بر آن است که پرداخت‌کننده در مقام ایفای دین و به‌طورکلی با یک علت متعارف اقدام به پرداخت کرده و اثبات خلاف آن ـ اینکه پرداخت اشتباه بوده ـ بر عهده خود او است. اماره یدِ دریافت‌کننده تا زمانی که دلیل مغایری نباشد، دلیل مالکیت وی به شمار می‌آید و نیز اَصل عدم اشتباه، استدلال فوق را تأیید می‌کند.

ماده ۳۵ قانون مدنی، در تأیید اماره تصرف تصریح می‌کند: «تصرف به‌عنوان مالکیت، دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثبات شود». این تصرف، تا زمانی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده، معتبر خواهد بود (ماده ۳۶ قانون مدنی). بنابراین، «ارائه دلیل دیگری برای اثبات مالکیت متصرف علاوه بر تصرف به‌عنوان مالکیت، لازم نیست و دهنده مال باید برای استرداد مال مورد تصرف، مالکیت و استحقاق فعلی خود را اثبات کند» (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴، شماره ۴).

با وجود مواد فوق و توضیحات مربوطه، مقررات خاص و نیز رویه بانکی می‌تواند با تدوین موازین و معیارهای مناسب، میزان دعاوی مربوط به استرداد مبالغی که به اشتباه به حساب اشخاص واریز می‌شود، یا در شرف واریز به حساب آنها قرار دارد به حداقل ممکن برساند.

وقتی مبلغی به اشتباه به حساب شخصی واریز می‌شود، از یک‌سو وی شرعاً و قانوناً حقی نسبت به آنچه پرداخت شده ندارد و از سوی دیگر، عرفاً مدتی به طول می‌انجامد که وی از انجام این فرایند و بستانکار شدن (ناروای) حساب خود مطلع شود. بنابراین، بانک می‌تواند با احراز اشتباه کارمند خود، خطای رایانه‌ای یا اشتباه پرداخت‌کننده در تکمیل بخشی از فرم‌ها و فیش‌های مربوط، فرایند انتقال را بدون اینکه نیاز به مراجعه به تشریفات طولانی و هزینه‌بر محاکم قضایی باشد، لغو نماید.

در کشورمان، مقررات موجود نشان می‌دهد که چنین رویه‌ای شکل گرفته است. بنا بر تبصره ماده ۳۸ موافقت‌نامه ساتنا[1]، «درصورتی‌که واریز وجه به حساب ذینفع نهایی به علت بسته بودن حساب یا نادرست بودن مشخصات تعیین‌شده در دستور پرداخت امکان‌پذیر نباشد، عضوی که دستور پرداخت به نفع وی صادر شده مکلف است ظرف یک روز کاری نسبت به صدور دستور پرداخت به نفع صادرکننده اقدام نماید». بنابراین، پرداخت اشتباه، بانک دریافت‌کننده را ملزم به استرداد آنچه که به اشتباه تأدیه شده می‌سازد. در ساتنا،

[1] موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا)، مصوب ۱۳۸۵/۰۸/۲۸ کمیته اجرایی نظام جامع پرداخت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

بازپرداخت این مبلغ از بانک ذینفع (گیرنده) به بانک صادرکننده (بانکی که پرداخت از آن شروع شده)، انجام می‌شود و بانک اخیر، وجه را به حساب شخص پرداخت‌کننده باز می‌گرداند.

۵ قواعد عمومی حاکم بر پرداخت و منع پرداخت

به‌عنوان قاعده عمومی، بانک می‌تواند به استناد توجیهاتی که خود دارد یا ادله‌ای که شخص ثالث ارائه می‌دهد، از پرداخت وجه چک امتناع کند (ریگرت[1]،۱۹۸۸؛ ص. ۱۳۷). باید توجه داشت که حق دستور عدم پرداخت صادرکننده با حق بانک در خودداری از پرداخت تفاوت دارد. چراکه مورد اخیر ممکن است با ادعای شخص ثالث یا دلیلی که خود بانک دارد، اتفاق بیافتد.

حق و گاه تکلیف بانک در خصوص امتناع از پرداخت به دارنده چک به دلیل ادعای شخص ثالث را باید از حق صاحب حساب در دستور عدم پرداخت چک به بانک، متمایز ساخت. در حالت اخیر، شخص عدم ایفای تعهد مندرج در چک را از بانک درخواست می‌کند. حال آنکه در فرض امتناع بانک از پرداخت چک به دلیل ادعای ثالث، شخص ثالثی ادعا می‌کند که بانک نباید چک را به شخصی که آن را جهت پرداخت ارائه می‌کند، تأدیه نماید؛ زیرا خود وی مالک واقعی چک بوده یا در خصوص قرارداد پایه‌ای که موجب صدور یا ظهرنویسی چک شده، بین وی و دارنده (ظاهری) چک اختلاف وجود دارد.

هرچند ادعای اخیر (استناد به قرارداد پایه برای ابطال چک، بدون ارائه حکم یا دستور موقت دادگاه مبنی بر دستور عدم پرداخت به بانک)، اصولاً مانع از پرداخت چک نخواهد شد؛ متعارف آن است که به ادعای تحصیل چک از طریق اعمال متقلبانه، سرقت و به‌طورکلی دارا شدن ناعادلانه توجه شود. برای مثال، چنانچه از پرونده درینکال[2] برمی‌آید، درصورتی‌که شخصی در حال مستی یا برای معامله‌ای نامشروع (همچون قمار یا شرط‌بندی) چکی را ظهرنویسی نماید، ادعای وی مبنی بر عدم پرداخت بانک، به منزله دستور عدم پرداخت از ناحیه شخص ثالث محسوب می‌گردد.

در پرونده مذکور، دادگاه حکم داد که با وجود حضور هم‌زمان درینکال و دارنده چک و دستور وی به بانک مبنی بر عدم تأدیه چک به دارنده نامشروع، اقدام بانک در پرداخت به

---

[1] Riegert

[2] Drinkall v. Movius State Bank, 11 N.D. 10, 88 N.W. 724 (1901)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

دارنده ظاهری (فیزیک) چک، به دلیل غیرقانونی بودن ید وی ممنوع بوده و لذا بانک باید همان مبلغ را دوباره به آقای درینکال بپردازد.

اگرچه رأی صادره در پرونده فوق، در صورت پذیرش در دعاوی مشابه، واقعاً تمام حقوق و قواعد حاکم بر اسناد تجاری را به هم می‌ریزد،[۱] در حقوق ایالات‌متحده، اصلِ این امر که شخص ثالث می‌تواند در دادگاه دعوای متقابل طرح کرده و قرار منع بانک از پرداخت به دارنده ظاهری را دریافت نماید، در قانون متحدالشکل تجاری[۲] به رسمیت شناخته شده است. این حق، اختصاصی به نوع مشخصی از چک ندارد، چراکه اگر هدف پیشگیری از تأدیه چک به دارندگان غیرقانونی باشد، این هدف در مورد اکثر چک‌ها مفروض می‌باشد.

به‌عنوان یکی از قواعد حاکم، اگر قرار باشد که مسؤولیت ناشی از تقلب به یکی از دو بی‌گناهی که از آن متضرر شده‌اند، تحمیل شود، این مسؤولیت بر دوش شخصی نهاده می‌شود که فعل او زمینه تقلب را فراهم ساخته است (نابیل[۳]،۱۹۴۳؛ص.۱۰۵۷).

در مقابل شخص ثالث، استناد به این امر که چکِ سفید امضا، توسط شخص ثالثی ـ برای مثال، کارمند صادرکننده، بدون اجازه وی تکمیلَ گردیده، مورد پذیرش نمی‌باشد. در یک پرونده[۴] اعلام شد که بانک مکلف است صحت امضای صادرکننده را احراز نماید، اما الزامی در این خصوص ندارد که ناهماهنگی خطی و وجود دست‌نوشته‌های مختلف و برای نمونه تفاوت رنگ قلم امضا و متن چک را مورد توجه قرار دهد. همچنین در مواردی که بانک صرفاً به اعتبار صادرکننده و با وجود خالی بودن یا ناکافی بودن موجودی حساب وی، چک او را تأدیه کرده و سپس احراز می‌شود که چک جعلی بوده است، نمی‌توان در مقابل

---

[۱] چراکه اصولاً نمی‌توان به رابطه اصلی (قرارداد یا معامله پایه/ مبنا) برای عدم پرداخت سند تجاری استناد کرد و حتی اگر امکان استناد به این امر وجود داشته باشد، چون اصل ادعا باید اثبات گردد، کارمند بانک حق یا تکلیف شنیدن آن را ندارد و مدعی باید برای اثبات آن به دادگاه مراجعه کند. بدیهی است که جز در صورت وجود حکم یا دستور دادگاه مبنی بر خودداری (منع) بانک از پرداخت، بانک به صرف ادعا یا مستندات شخص مدعی، نمی‌تواند به‌طور مطلق از پرداخت چک خودداری کند. اگرچه ماده ۱۴ قانون صدور چک، با عوض کردن این فرض و معیار جهانی، دارنده چک را مختار می‌سازد که برای اثبات ادعای خلاف واقع صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم‌مقام قانونی آنها به دادگاه مراجعه نماید. «هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در... قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد».

[2] Uniform Commercial Code (UCC), Section 3-603 (1)

[3] Nobile

[4] S. S. Allen Grocery. Co. v. Bank of Buchanan County (I916) I92 Mo. App. 476

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

بانک دارای حسن نیت به دفاعیاتی که صرفاً علیه جاعل یا سوءاستفاده کننده قابل استناد است، تمسک نمود. در این موارد، بانک در موقعیت دارنده قرار می‌گیرد و می‌تواند برای دریافت وجه چک، علیه صادرکننده آن ـ به استناد چک ـ اقدام نماید. بنابراین، حتی اگر چک سفید امضایی به اعتبار صادرکننده، از سوی بانک پرداخت شود، نمی‌توان اماره‌ای با این عنوان علیه بانک ادعا کرد که کافی نبودن موجودی حساب، دلیل بر آن بوده که صادرکننده چنان چکی صادر نمی‌کند.

از طرف دیگر، با توجه به ماهیت چک، برای بانک نباید دریافت‌کننده آن اهمیتی داشته باشد و لذا چک علاوه بر شخصی که نام وی به‌عنوان دارنده بر روی آن نوشته شده، اصولاً به هر حاملی با احراز هویت وی قابل پرداخت است؛ مگر اینکه منع و توضیح صریحی در رو یا ظهر چک وجود داشته باشد.

اما پرسش آن است که آیا بانک می‌تواند قرینه‌هایی همچون ناهماهنگی مبلغ مندرج در چک با مبالغ قیدشده در چک‌های قبلی همان صادرکننده، مشکوک بودن رفتار دریافت‌کننده وجه چک و... را به‌عنوان مبنایی برای توقف پرداخت آن، مورد توجه قرار دهد؟ با وجود سکوت قانون دراین‌باره، پاسخ منفی بوده و هرگونه رویه‌ای که در عمل در بانک‌ها شکل گرفته باشد، خلاف ماهیت و کارکرد چک بوده و دارنده با حسن نیت می‌تواند علیه بانک متخلف دعوای مسؤولیت مدنی از باب ضرر و زیان وارده طرح نماید.

در حقوق کشورمان، صرف تعارض در تاریخ یا مبلغ برات، تحت شرایطی مانع از پرداخت آن تلقی نشده است. مطابق با ماده ۲۲۵ قانون تجارت «تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک‌دفعه به تمام حروف نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است. اگر مبلغ با حروف و رقم هردو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است». بنابراین صرف تعارض در مبلغ برات، مانع از پرداخت آن نمی‌شود. همچنین قانون تجارت، توضیح این تعارض را در ظهر برات (توسط صادرکننده همراه با امضای وی) ضروری ندانسته است.

پرسش دیگر آن است که آیا صادرکننده می‌تواند با بانک خود به‌طور خصوصی توافق نماید که بانک تنها آن دسته از چک‌های وی را پرداخت نماید که مبلغ مندرج در آنها از میزان مشخصی کمتر باشد؟ پاسخ این پرسش، مثبت به نظر می‌رسد. چراکه صادرکننده می‌تواند به‌طور صریح یا ضمنی با بانک خود توافق نماید که همواره تعادل میان موجودی حساب وی یا معیارهای دیگری (همچون سقف پولی معین) را در پرداخت چک‌های صادره از سوی وی مراعات نماید. پرسشی که این پاسخ موجب آن می‌شود این است که دارنده با حسن نیت در این وضعیت چه حقوقی را دارا می‌باشد؟ موضع حقوق داخلی در خصوص

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

بسیاری از این پرسش‌ها مبهم است. به‌طورکلی، درصورتی‌که بتوان مبلغ قابل پرداخت به‌موجب هر برگ چک را در مورد افرادی که خواهان چنین محدودیتی هستند، در خود چک تعیین کرد؛ در آن صورت دارنده نمی‌تواند مدعی شود که از چنین شرطی اطلاع نداشته است. برای مثال، بر روی چک جمله «چک تا مبلغ صد میلیون ریال» چاپ شود، دارنده باید بداند که اگر مبلغی بیش از صد میلیون ریال در آن ذکر شده باشد، قابل پرداخت نخواهد بود.

۶ اشتباه و اخلال در پرداخت چک

انواع مختلف چک دارای وضعیت خاصی هستند که از یک‌سو بانک را مجبور به پرداخت فوری وجه آنها می‌کند و از سوی دیگر، کمی بی‌دقتی در رعایت شرایط شکلی چک ممکن است منجر به پرداخت آن به شخصی گردد که استحقاق دریافت آن را ندارد. در این فصل، احتمال اشتباه در پرداخت انواع مختلف چک مورد بررسی قرار گرفته و در مورد مسئول پرداخت ناروا در انواع مختلف چک توضیحات بیشتری با تأکید بر رویه قضایی حقوق عرفی ارائه می‌شود.

۱.۶ منع پرداخت چک شخصی

باید توجه داشت وقتی شخصی سند به دست، در پیشخوان بانک حاضر می‌شود، بانک مکلف است تقاضای وی را مبنی بر پرداخت، وصول، برگشت و... عملی کرده یا پاسخی درخور به وی بدهد. همین امر در برخی از موارد باعث می‌شود که بانک، اقدام به اعمالی نماید که بعدها اشتباه یا غیرقانونی بودن آن اثبات می‌شود.

مقصود از چک شخصی، چکی است که شخص حقیقی یا حقوقی بر روی بانک صادر می‌کند. در کشورمان، قانون صدور چک نسبت به این چک‌ها اجرا می‌شود. بند (۱) ۶۰۳-۳ قانون متحدالشکل تجاری امریکا، ضمن به رسمیت شناختن حق اعتراض ثالث نسبت به پرداخت بانک، مقرر می‌دارد که در موارد زیر، بانک پرداخت‌کننده چک، با تأدیه آن بری نخواهد شد:

اگر بانک با سوءنیت چک را به دارنده‌ای که آن را سرقت کرده و دارنده واقعی نیست، پرداخت کرده باشد.

اگر بانک، برخلاف (بدون توجه به احراز) قید و شرط‌های مندرج به هنگام ظهرنویسی، وجه آن را به دارنده سند تأدیه کرده باشد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

اگر شخص ثالث، در دعوایی که او و دارنده چک طرفین آن بوده‌اند، پیروز شده و دادگاه حکم بر بطلان یا استرداد چک صادر کرده و شخص ثالث (ذینفع) واقعی یان حکم را در موعد به بانک ارائه کرده باشد.

در مواردی که معترض ثالث به میزانی که بانک مقتضی می‌داند، برای توقیف چک تأمین سپرده باشد که در این صورت تشخیص کفایت تأمین و نیز امکان توقیف تأدیه با بانک می‌باشد.

باید توجه داشت که دارنده ظاهری سند، یعنی شخصی که دارنده با حسن نیت نمی‌باشد، سند را مشروط به هرگونه ادعای واجد شرایط از سوی هر شخصی دریافت می‌کند (قانون متحدالشکل تجاری (UCC)، بند(۱) ۳-۳۰۶).

از طرف دیگر، حق استرداد به دلیل نامشروع بودن معامله مبنا، تا زمانی وجود دارد که چک به شخص ثالث دارای حسن نیتی منتقل نگردیده باشد؛ ازاین‌رو، در صورت انتقال چک به شخصی که هیچ اطلاعی از رابطه حقوقی صادرکننده، دارنده نخست یا ظهرنویس با همدیگر ندارد، حق دستور منع پرداخت منتفی می‌شود.

نکته دیگر آن است که وقتی صادرکننده یا ظهرنویس به دفاعیاتی استناد می‌کند که به نظر او، بانک باید با توجه به آنها وجه چک را پرداخت نکند یا دادگاه به بانک دستور عدم تأدیه چک را بدهد، همواره در موضع انفعالی (دفاعی) قرار ندارد. برای مثال، ادعای سرقت، جعل یا کلاه‌برداری در مقام دستور عدم پرداخت یا امتناع (موقت) از این امر، هرچند در عرف دفاع محسوب شود، از حیث اصول حاکم بر ادله اثبات دعوا، «ادعا» می‌باشد. زیرا اصل بر آن است که دارنده با حسن نیت بوده و در قبال انجام تعهدات قراردادی، مستحق دریافت چک شده است.

از سوی دیگر، اگر همواره ترتیب اثر دادن به دستور عدم پرداخت صادرکننده یا ظهرنویس و یا اقدام بانک به امتناع از پرداخت، منوط به دستور موقت یا حکم دادگاه شود، ممکن است دریافت چک از سوی دارنده ظاهری (دارای سوءنیت) از بانک، مشکلات عمده‌ای برای دارنده حقیقی، بانک و صادرکننده از جهت نحوه محاسبه و تقسیم خسارت ایجاد نماید. بنابراین باید به دنبال راه‌حل میانه‌ای در راستای تأمین حقوق شخص با حسن نیت و پیشگیری از پرداخت به دارنده با سوءنیت بود. راهکاری که کمترین تعارض را با ماهیت و اوصاف سند تجاری (از جمله جدایی تعهدات اصلی از تعهدات برواتی و وصف قابلیت انتقال) داشته باشد.

در بررسی موانع پرداخت چک، از جمله می‌توان این پرسش را طرح کرد که آیا دارنده چک می‌تواند شخصی فرضی و ناموجود باشد؟ این امر به‌طور مطلق پذیرفته نشده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

به‌عبارت‌دیگر، اگر از شرایط و اوضاع‌واحوال حاکم بر چک معلوم شود که این سند برای شخص معینی ـ و نه حامل یا هر دارنده‌ای ـ صادر شده، بانک نمی‌تواند آن را به شخص دیگری پرداخت نماید. برای مثال، اگر در یک صندوق قرض‌الحسنه، پس از تصویب کلیه اعضا مبلغ مشخصی به‌عنوان وام به یکی از اعضا تخصیص یابد و این مبلغ به‌موجب یک چک که مطابق با اساسنامه صندوق باید به امضای رئیس یا در غیاب وی نایب‌رئیس برسد، قابل پرداخت باشد؛ دریافت وجه چک مذکور توسط شخصی غیر از وام‌گیرنده یا ظهرنویسی چنین چکی، به لحاظ اینکه در حساب‌ها و مستندات بعدی صندوق اخلال ایجاد می‌کند، باید ممنوع باشد. برای اجتناب از هرگونه تفسیر مغایر، مؤسساتی که قصد پرداخت به شخص خاصی را دارند، منطقاً باید بتوانند در این مورد که بانک مجاز است تنها در صورت طی تشریفات و شرایط شکلی معین، مبلغ چک را به فرد خاصی بپردازد، به توافق برسند. وقتی چک، تنها برای عضو صادر می‌شود، از آن جهت که تضمینی در ازای مبلغ مذکور از عضو گرفته می‌شود، لذا وجه آن نیز قاعدتاً باید به شخص عضو و نه شخص دیگری قابل پرداخت باشد.

از جمله موانع قابل بحث در خصوص پرداخت چک، مسئله ورشکستگی صادرکننده است. بدین معنا که اگر شخص حقیقی یا حقوقی که چک را صادر کرده، ورشکست شود، وجه آن به دلیل مطرح بودن حقوق سایر طلبکاران، قابل پرداخت به دارنده نخواهد بود. زیرا در حقوق ایران ـ همانند حقوق امریکا و انگلیس و برخلاف حقوق فرانسه ـ انتقال مالکیت محل چک به دارنده آن پذیرفته نشده و به همین دلیل، دارنده چک شخصی به‌عنوان طلبکار عادی شناخته می‌شود. پیش‌شرط امتناع بانک از پرداخت چکی که توسط ورشکسته صادر شده، اطلاع بانک نسبت به این موضوع است. به همین دلیل، پرداخت پس از ورشکسته شدن صادرکننده، درصورتی‌که منطبق با عرف تجاری بوده و بدون اطلاع واقعی از ورشکستگی باشد، بانک پرداخت‌کننده را در قبال طلبکاران مسئول نمی‌سازد[1]. زیرا اگرچه چنین پرداختی بی‌اعتبار است و دریافت‌کننده باید با استرداد مبلغ واصله، همانند سایر طلبکاران جزء غرمای ورشکسته قرار گیرد، اما وصف قابلیت انتقال اسناد تجاری و ضرورت پرداخت بدون بهانه‌گیری آنها، بانک پرداخت‌کننده را تحت لوای خود می‌گیرد و مانع از مسؤولیت مستقیم آن در مقابل طلبکاران می‌شود.

---

[1] Rosenthal v. Guaranty Bank & Trust Co., 139 F. Supp. 730, 736 (W.D. La. 1956); See: Bank's Payment of Check. 1957, p. 292

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

با وجود آنچه گفته شد، پرونده مارتین[1] مبین آن است که اگر دارنده با علم به ورشکستگی صادرکننده اقدام به وصول آن نماید، به حکم دادگاه ملزم خواهد گشت تا مبلغ دریافتی را مسترد نموده، در ردیف بستانکاران قرار گیرد. در پرونده‌ای دیگر[2]، دریافت‌کننده وجه چک که می‌دانست یکی از شرکا از سرمایه شرکت مدنی برای خود چک کشیده است، به‌موجب حکم دادگاه به بازگرداندن وجه دریافتی به حساب شرکت محکوم گردید.

۲.۶ پرداخت چک مشروط

مشهور است که چک مشروط اثری در پرداخت ندارد.[3] به‌عبارت‌دیگر، هر عبارتی که در رو یا ظهر چک به‌عنوان شرط پرداخت یا توضیح دلیل پرداخت آن نوشته شود، از نظر بانک اثر حقوقی ندارد و بانک وجه چک را در صورت وجود سایر شرایط خواهد پرداخت. اما این تصریح قانونی اطلاق ندارد. درواقع، چکی که بدون تاریخ یا با تاریخ برای تضمین یا تخلیه مورد اجاره صادر گردیده و در اختیار دارنده قرار می‌گیرد، حتی اگر تاریخ در آن درج شود، به‌هیچ‌وجه از سوی بانک قابل پرداخت نیست. به‌علاوه، اگر بین بانک و صادرکننده چک به‌صراحت توافق شده باشد که چک‌های مشروط وی را تنها پس از دریافت اطلاعیه/ اعلامیه تحقق شرط پرداخت نماید و این امر به اطلاع دارنده چک رسیده باشد، دلیلی بر اعتبار و قابلیت تأدیه مطلق چنین چک مشروطی وجود ندارد.

در یک پرونده‌ای[4]، توافق بر مشروط بودن چک میان صادرکننده و بانک وی و قابلیت پرداخت آن تنها در صورت تحقق شرط مذکور به‌عنوان شرطی غیرمعمول اما قانونی، معین و مقدور برای بانک محسوب گردید. برای مثال، اگر مقرر شده باشد که بانک تنها چک‌هایی را پرداخت کند که نام و مهر شرکت خاصی به‌عنوان اولین دارنده در رو یا ظهر چک درج شده باشد؛ بدیهی است که چنین چکی قابل ظهرنویسی بوده و با تحقق شرط به هر دارنده دیگری غیر از شرکت موصوف قابل پرداخت است.

---

[1] Martin v. Morgan [1819]

[2] Kendal v Wood. (1871) L.R. 6 Ex. 243 at 250

[3] قسمت آخر ماده ۳ قانون صدور چک (اصلاحی مصوب ۱۳۸۲/۹/۲): «هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد».

[4] Henderson v. Greeley National Bank, 111 Colo. 365, 142 P.2d 480, 1943.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

۳.۶ منع پرداخت چک بین‌بانکی

دارندگان چک‌های بانکی دارای دو امتیاز هستند که دارندگان چک‌های شخصی از آن بی‌بهره‌اند: نخست اینکه، مبلغ چک توسط بانک تضمین می‌شود و دوم اینکه دارنده چک بانکی می‌داند که اصولاً پرداخت چنین چکی بدون ارائه دلیل متقن، مسدود (متوقف) نخواهد شد. حال آنکه در عمل، پرداخت چک شخصی ممکن است به راحتی منع شود. البته می‌توان دستور عدم پرداخت چک بانکی را در صورت تحصیل آن از طریق سرقت یا کلاه‌برداری صادر کرد. چنانچه خواهیم دید، از حیث امکان منع یا تحدید پرداخت، چک‌های بانکی مختلف نیز باهم تفاوت دارند.

دارنده‌ای که با حسن نیت بوده، بدون نیاز به اخطار یا ادعا علیه پرداخت‌کننده، به خواسته مطالبه وجه سند (چک بانکی)، دارنده حقوق قانونی نسبت به آن محسوب می‌گردد. اما دارنده چک بانکی، درصورتی‌که به‌طور مستقیم آن را از بانک صادرکننده چک دریافت کرده باشد، از تمام حقوق دارنده با حسن نیت برخوردار خواهد بود. البته دارنده با حسن نیتی که آن را از بانک تهیه نکرده، بلکه از طریق یک انتقال‌دهنده و به هر شیوه غیرمستقیم بدان دست یافته، می‌تواند بدون اینکه دارندگی غیرمستقیم وی موجب اشکال شود، الزام بانک را به پرداخت آن مطالبه کند. مگر اینکه نظر به ماهیت خاص چک بانکی یا منقضی شدن مهلت مطالبه آن، امکان مطالبه از دارنده غیرمستقیم سلب شده یا مطالبه آن از بانک یا شعبه خاصی مجاز باشد.

اما دشواری یا غیرممکن بودن دستور منع پرداخت یا اهمیت نداشتن شخصیت دارنده در تمام موارد، ممکن است منجر به اشکال شود. برای مثال، فروشنده‌ای که خریدار را فریب می‌دهد، ممکن است اصرار ورزد که پرداخت وجه در قالب چک بانکی انجام شود تا بدین‌وسیله فریبکار اطمینان یابد که دستور عدم پرداخت صادر نخواهد شد و درنتیجه مانعی در برابر فریبکاری وی وجود نخواهد داشت.

بنابراین، تضمین چک از سوی بانک یا استفاده از چک به‌عنوان جایگزین مطمئن و سریع اسکناس، بدین معنا نیست که بانک موظف باشد آن را به سارق یا هر شخصی که به طریق غیرمشروع آن را تحصیل کرده ـ به صرف در اختیار داشتن چک ـ پرداخت نماید.

قواعد حقوقی بر این امر دلالت دارند که تضمین چک شخصی، انتقال تمام یا بخشی از دعوای قابل طرح علیه صادرکننده آن به بانک نیست؛ بنابراین، دارنده مستقیم و دارندگان بعدی، در صورت عدم پرداخت چک از سوی بانک نمی‌توانند علیه بانک ادعایی طرح نمایند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

با این وجود، در صورت امتناع بانک از پرداخت، دارنده می‌تواند علیه صادرکننده و تمامی ظهرنویسان چک طرح دعوا نماید. حق صادرکننده به دستور عدم پرداخت چک از سوی بانک ممکن است با وضعیت فوق متعارض به نظر برسد. زیرا صادرکننده می‌تواند با ارائه دلیل یا بدون هیچ دلیلی از بانک بخواهد که از پرداخت چک در مقابل هر دارنده‌ای امتناع کند. بانک موظف به تبعیت از این دستور است و با امتناع بانک، دارنده می‌تواند علیه ظهرنویسان و صادرکننده طرح دعوا نماید.

در برات بانکی[1] که بانک کوچک‌تر بر روی بانک بزرگ‌تر صادر می‌کند و به نوعی مشتری آن محسوب می‌گردد، به نظر می‌رسد که همانند سایر مشتریان می‌تواند دستور عدم پرداخت آن را صادر کند. دارنده برات بانکی، به‌نوعی در وضعیتی برتر از «دارنده» به مفهوم مصطلح آن قرار می‌گیرد. این نوع از چک، اغلب برای پرداخت در معاملات با قیمت بالا به کار می‌رود و لذا دستور به عدم پرداخت، پس از صدور و تحویل برات بانکی قدری عجیب می‌نماید. به همین دلیل، در ایالات‌متحده، برخی از دادگاه‌ها به بانک‌ها اجازه دستور عدم پرداخت چنین چکی را نداده‌اند. برخی از محاکم نیز به اشتباه چنین اظهارنظر کرده‌اند که اگر برات بانکی به‌عنوان وسیله مطلق پرداخت پذیرفته نشود، ممکن است دارنده آن هیچ دلیلی برای اثبات حق خود در خصوص حق یا طلبی که به خاطر آن برات دریافت کرده، نداشته باشد. حال آنکه امتناع بانک صادرکننده از پرداخت، مانع از آن نمی‌شود که دارنده به‌عنوان طلبکار عادی بانک مذکور، محسوب گردد.

در یک پرونده مالفراس[2]، خانم کوبلر یک چک بانکی را از بانکی که در آن سپرده داشت، دریافت کرد. در چک قید شده بود که مبلغ مندرج در آن به حساب خواهان و در بانک وی قابل پرداخت است. خوانده (خانم کوبلر)، چک را برای خرید خودرو درخواست کرده بود. به دلیل اختلاف‌هایی که در قرارداد مربوط به خودرو بین طرفین به وجود آمد، خانم کوبلر از بانک خود درخواست کرد که فعلاً از پرداخت چک خودداری کند. بانک وی چنین کرد و دارنده (مالک خودرو) علیه بانک مذکور طرح دعوا نموده و دادرسی اختصاری را درخواست کرد.

صرف‌نظر از نتیجه پرونده در حقوق امریکا، برای حل موضوع در حقوق کشورمان، یعنی پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان دستور عدم پرداخت چک بین‌بانکی را صادر کرد یا خیر و

---

[1] Bank Draft

[2] Malphrus v. Home Savings Bank, 44 Misc. 2d 705, 254 N.Y.S.2d. 980 (Albany Co. Ct., 1965)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی (بانک صادرکننده چک، متقاضی یا هر دو)، حق چنین اقدامی را دارد، باید دید که ماهیت چک بین‌بانکی چیست؟

یک نظر این است که بانک صادرکننده، یعنی بانکی که با احراز کفایت موجودی مشتری و به درخواست وی اقدام به صدور چک بین‌بانکی می‌کند، درواقع به مشتری خود نقداً پول پرداخت می‌کند و تنها برای راحتی او و بانک طرف مقابل است که به جای وجه نقد، چک بین‌بانکی صادر می‌نماید. مطابق با این دیدگاه، حتی در قصد متقاضی چک بین‌بانکی و طرف مقابل وی (شخصی که چک به نام و به‌حساب وی تنظیم می‌شود)، هدف از این اقدام نوعی پرداخت نقدی تسهیل شده است.

با توصیف فوق، باید ادعا کرد که تحویل چک مذکور به طرف قرارداد اصلی به معنای ایفای تعهد است. حال آنکه امکان دارد به دلایلی همچون ورشکستگی بانک انتقال‌دهنده (بانک صادرکننده چک بین‌بانکی) یا ایراد شکلی در متن چک تأدیه آن امکان‌پذیر نباشد. در چک بین‌بانکی، بانک متعهد با تنظیم سندی تأیید می‌کند که مبلغ مندرج در سند در آن بانک تأمین شده و موجودی مذکور به شخصی که سند به نام و حساب وی تنظیم می‌شود، تنها پس از قبول چک توسط بانک مخاطب (بانکی که ذینفع در آن حساب دارد)، از طریق بانک اخیر به موجودی حساب ذینفع اضافه خواهد شد.

ازاین‌رو، این تعبیر که چک بین‌بانکی همان پول نقد است، با تفاوت‌هایی که میان این دو وجود دارد همخوانی ندارد. اگرچه تقریباً تمامی چک‌های مذکور بدون هیچ مشکلی به پول نقد تبدیل می‌شوند، اما چنانچه در پرونده‌ای آمریکایی[1] مطرح شده، بانک صادرکننده می‌تواند دستور عدم پرداخت چک بین‌بانکی را صادر کند؛ هرچند توجه و عمل بر مبنای دفاعیاتی که مشتری بانک می‌تواند از حیث قرارداد اصلی در مقابل ذینفع چک داشته باشد، برای بانک امکان‌پذیر نمی‌باشد. این امر از دو قاعده مهم جدایی تعهدات بانک از تعهدات تک‌تک مشتریان و استقلال تعهدات اصلی از تعهدات برواتی ناشی می‌شود و خود عامل مهمی در محدود ساختن اختیار بانک‌ها در جلوگیری از پرداخت چک‌های بین‌بانکی به شمار می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، بانک متعهد، با صدور چک بانکی، ضمن تأیید موجودی حساب مشتری به میزان وجه چک، خود به‌اندازه مبلغی که در روی چک قید شده و به امضای رئیس یا کارمند مجاز شعبه می‌رسد، در مقابل شخص ذینفع پرداخت را قبول می‌کند و در

[1] Fur Funtastic, Ltd. v. Kearns, 120 Misc.2d 794, 467 N.Y.S.2d 499, 500 (N.Y.Sup.1983)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

این فرایند، بانک ذینفع به‌عنوان وکیل در وصول عمل می‌کند. این چک از آن جهت که به‌نام و حساب معینی صادر می‌شود، قابل ظهرنویسی و انتقال نمی‌باشد.

با وجود حقایق فوق، هیچ منعی وجود ندارد که شخص ثالث (متقاضی چک بین‌بانکی) بتواند در جهت تقویت ادعای بانک صادرکننده چک مذکور که دستور عدم پرداخت آن را به بانک ذینفع داده وارد دعوا شود. درواقع، چنانچه در رأی پرونده فولتون[1] نیز تصریح شده، با مجاز دانستن ثالث در ورود به دعوا، این امکان فراهم می‌شود که در موضوع واحد، دعاوی مرتبط و هم منشأ به‌طور جداگانه طرح نشود(السان، ۱۳۹۰؛صص۱۴۳-۱۴۹).

۴.۶ منع پرداخت چک تضمین‌شده

در چک تضمین‌شده، حسب مورد ممکن است بانک، تعهد صادرکننده یا طلب دارنده چک را تضمین کرده باشد. در حالت نخست، صادرکننده می‌تواند به دفاعیاتی که علیه دارنده دارد، استناد نماید یا با ادعای سوءنیت دارنده به بانک، دستور عدم پرداخت چک را بدهد. اما اگر تضمین بانک برای طلب دارنده باشد، اصولاً امکان توقیف پرداخت آن وجود ندارد. این نوع از چک‌ها امروزه به‌ندرت به کار می‌روند و بحث در خصوص آنها صرفاً از حیث یافتن مبانی و راهکارهای قابل استفاده در بحث کلی اشتباه و اخلال در پرداخت‌های بانکی اهمیت دارد.

در عمل، در صورت احتمال قوی سوءنیت دارنده یا حسن نیت صادرکننده که نشان دهد با پرداخت چک، زیانی ناروا به صادرکننده وارد می‌شود، بانک می‌تواند با پذیرش دستور عدم پرداخت صادرکننده منتظر تعیین تکلیف در مرجع قضایی شود.

چنانچه در پرونده بالدوچی[2] مورد تصریح دادگاه قرار گرفته، اگر پس از تسلیم چک، دلیل قانع‌کننده‌ای مبنی بر اینکه دارنده استحقاق وجه مندرج در چک را ندارد، وجود داشته باشد، در آن صورت بانک می‌تواند به‌ویژه در مواردی که تغییری در حقوق یا وضعیت دارنده ایجاد نمی‌کند، تضمین به‌عمل‌آمده از ناحیه خویش را بر مبنای انصاف فسخ نماید.

در چک تضمین‌شده شخصی، تضمین بانک امری واقعی به شمار می‌آید؛ چراکه بانک واقعاً تعهد یا طلبی را تضمین می‌کند؛ حال آنکه در چک بین‌بانکی، عملاً تضمینی در کار نیست. چراکه سندی که فقط عنوان «چک» را با خود دارد، با برداشت از حساب یا پرداخت نقد متقاضی از سوی بانک صادر می‌شود و لذا نمی‌توان عنوان «چک تضمین‌شده

---

[1] Fulton National Bank v. Delco Corporation, 128 Ga.App. 16, 195 S.E.2d 455, 456-457 (1973).

[2] Balducci v. Merchants National Bank and Trust Co 1972

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

توسط بانک صادرکننده» را در مورد چک بین‌بانکی به کار برد. نتیجه اینکه در صورت تحقق هریک از موانع، بانک می‌تواند تضمین خود را از چک شخصی لغو نماید. برای مثال، درصورتی‌که مشخص شود، اسناد مربوط به ملکی که بانک با اعتماد به توثیق آنها اقدام به تضمین چک کرده، جعلی هستند.

۷ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در عمل، بانک‌ها با دو نوع اشتباه در پرداخت روبرو هستند. در گروه اول، اشکال، نقص یا خطای سامانه الکترونیکی بانک موجب مسائلی همچون کسر از حساب بدون پرداخت یا علی‌رغم انصراف متقاضی یا عدم دریافت، کسر دو برابر از حساب و... می‌شود. درحالی‌که در گروه دوم پرداخت ناروا به‌موجب اسناد بانکی ـ در اکثر موارد، چک ـ قرار دارد. این موارد عبارتند از:

- تأدیه چک توقیف شده و با این وجود پرداخت آن انجام گرفته است.
- چک دارای امضای جعلی یا امضای مدیری بوده که در صدور آن از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و بانک از حدود اختیارات وی اطلاع داشته است.
- پرداخت چک‌هایی که تقلب در ظهرنویسی آنها آشکار است.
- پرداخت چکی که مبلغ آن مکرراً و به‌طور متقلبانه‌ای افزایش یافته است.
- اشتباه بانک در هویت دریافت‌کننده چک (الینگر و همکاران،۲۰۰۷؛ ص. ۴۷۰).

چنین مسائلی در مورد برات نیز ممکن است به نحو دیگری مطرح باشد. برای مثال، موردی که منشی یا کارمند محال‌علیه، امضای وی مبنی بر قبول یا تأدیه را در برات قید می‌کند؛ درحالی‌که تفاوت آن با امضای ثبت‌شده در بانک مشخص است.

در تمامی این موارد، بانک‌ها اغلب بدون مقاومت، اقدام به جبران خسارت ذینفع واقعی می‌نمایند. البته ممکن است ادعاهایی همچون تردید در ذینفع بودن شخص مراجعه‌کننده یا قابل کشف نبودن اشکال/ اشتباه ادعایی ذینفع، عملاً وی را ناچار از طرح دعوا نماید.

در تمام موارد ایفای ناروا از سوی بانک، باید میان حالتی که گیرنده وجه نیز همانند بانک از ناروایی آن ناآگاه است و حالتی که گیرنده به هر دلیل (از جمله علم به اشتباه بانک، علم به مسدود بودن حساب صادرکننده، علم به جعلی بودن امضای چک و...)، عالم به ناروایی پرداخت است، قائل به تفکیک شد. در صورت علم وی، مسئله کلاه‌برداری مطرح می‌شود و بانک می‌تواند با اثبات آگاهی او، کلیه خساراتی را که به جهت پرداخت به ذینفع واقعی، طرح دعوا علیه کلاه‌بردار و... متحمل شده، از وی مطالبه نماید.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

فهرست منابع

السان، م. (۱۳۹۰). حقوق *پرداخت‌های بانکی*. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.

السان، م. (۱۳۹۵). حقوق *بانکی*. چاپ پنجم، تهران:انتشارات سمت.

خندانی، س. پ. (۱۳۹۲). ایفای ناروا در ایران و دیگر نظام‌های حقوقی، *مجله مطالعات حقوق خصوصی*. شماره ۲۲، بهار و تابستان.

دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه، مصوب ۱۳۸۵/۰۸/۳۰ اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

شهبازی‌نیا، م.، و رزاقی، ک. (۱۳۹۰). مفهوم و ماهیت ایفاء در حقوق ایران و فقه امامیه، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*. شماره ۳۴، پاییز و زمستان.

شهیدی، م. (۱۳۷۷). *سقوط تعهدات*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات حقوقدان.

عوض، ع. ج. (۲۰۰۹). *عمليات البنوك من الوجهه القانونيه*. الطبعه الرابعه، المكتبه القانونيه.

محقق‌داماد، س. م.، و اسماعیلی، م. (۱۳۸۸). بررسی مبانی فقهی ضمان استیفا، *مجله نامه الهیات*. شماره ۷، تابستان.

موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا)، مصوب ۱۳۸۵/۰۸/۲۸ کمیته اجرایی نظام جامع پرداخت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

Ellinger, E. P., & Lomnicka, E., Hooley, R. (2007). *Ellinger's Modern Banking Law*. Oxford University Press.

Nobile, J. A. (1943). Liability of Bank for Payment of Unauthorized Checks Signed in Bank by Depositor. *Banking Law Journal*. Vol. 60.

Riegert, R. A. (1988). Stopping Payment and Refusing Payment on Bank Checks. *Commercial Law Journal*. Vol. 93.

Agip (Africa) Ltd v. Jackson [1991] Ch. 547.

Balducci v. Merchants National Bank and Trust Co 1972.

Drinkall v. Movius State Bank, 11 N.D. 10, 88 N.W. 724 (1901).

Foley v. Hill and Others, [House of Lords, July 31, August 1, 1848].

Fulton National Bank v. Delco Corporation, 128 Ga.App. 16, 195 S.E.2d 455, 456-457 (1973).

Fur Funtastic, Ltd. v. Kearns, 120 Misc.2d 794, 467 N.Y.S.2d 499, 500 (N.Y.Sup.1983).

Henderson v. Greeley National Bank, 111 Colo. 365, 142 P.2d 480, 1943.

Kendal v Wood. (1871) L.R. 6 Ex. 243 at 250.

Malphrus v. Home Savings Bank, 44 Misc. 2d 705, 254 N.Y.S.2d. 980 (Albany Co. Ct., 1965).

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

Martin and others v. Morgan and Lockwood, 1 Gow, 123. (Dallas. C. J. 1819).

Rosenthal v. Guaranty Bank & Trust Co., 139 F. Supp. 730, 736 (W.D. La. 1956).

S. S. Allen Grocery. Co. v. Bank of Buchanan County (I916) I92 Mo. App. 476.

Uniform Commercial Code (UCC), Section 3-603.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]

[DOR: 20.1001.1.26453355.1397.11.36.3.4]
[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]